

توبه

ابوالفضل بغمایی

یا ایها الذین آمنوا توبوا الی الله توبه نصوحاً^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید به سوی خدا توبه کنید توبه‌ای خالص.

مفهوم‌شناسی

«توبه»، به معنای رجوع،^۲ بازگشت از گناه^۳ و نوعی پشیمانی از گناه است؛ به طوری که هر توبه‌ای پشیمانی است، ولی هر پشیمانی‌ای توبه نیست.^۴

«نصوح»، از ماده‌ی نصح در اصل به معنای خیرخواهی خالصانه است. توبه‌ی نصوح، آن‌گاه تحقق می‌یابد که خالص‌بودن و محکم‌بودن با یک‌دیگر جمع شوند.

تفسیر توبه نصوح

در تفسیر توبه‌ی نصوح بیش از بیست نظر وجود دارد، ولی همه‌ی آنها در حقیقت یکی است و آن توبه‌ی خالص و کامل است.^۵ و در اصطلاح اخلاق، توبه و بازگشت به خدا به خالی ساختن دل از قصد گناه و برگشت به درگاه الهی حق تعالی است و حاصل آن ترک معاصی در حال و عزم بر ترک آنها در آینده و تلافی تقصیرات گذشته است.^۶

۱. تحریم، ۸.

۲. ابن فارس، مقاییس اللغه، ج ۱، ص ۱۸۴.

۳. جوهری، صحاح اللغه، ج ۱، ص ۱۴۲ و دهخدا، لغت نامه، ج ۵، ص ۶۲۲۰.

۴. ابوالبقاء، کلیات، ص ۳۰۸.

۵. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۹۰ و ۲۹۱.

۶. نزاقی، معراج السعاده، ص ۶۰۱.

توبه اگر به بنده نسبت داده شود، به معنای بازگشت از گناه و پشیمانی بر آن است، ولی اگر به خدا نسبت داده شود، به معنای رجوع خداوند است، اما به طریق استعلا و استیلا و در واقع به معنای رحمت، عطف و مغفرت خداوندی است.^۱

پیام‌های آیه

۱. در آیات پیش فرمان داد که خود را از آتش دوزخ حفظ کنید (قوا أنفسکم) در این آیه، راه آن را که توبه واقعی است می‌گوید.
۲. گاهی از مؤمن، گناه سر می‌زند که باید توبه کند (یا ایها الذین آمنوا توبوا).
۳. توبه باید خالصانه و صادقانه باشد نه لقلقه زبان (توبه نصوحاً).
۴. هر توبه‌ای ارزش ندارد (توبه نصوحاً).
۵. توبه زمان و مکان خاصی ندارد (توبوا إلی الله...).
۶. برای تشویق به توبه، باید مردم را به رحمت الهی امیدوار کرد (عسی ربکم).
۷. پذیرش توبه، از شئون ربوبیت است (عسی ربکم أن یکفر...).
۸. نتیجه توبه دو چیز است؛ محو گذشته (یکفر عنکم سیئاتکم) و تأمین آینده (یدخلکم جنات).

شرایط توبه

گفته‌اند: توبه نصوح دارای چهار شرط است؛ ۱. پشیمانی قلبی؛ ۲. استغفار زبانی؛ ۳. ترک گناه؛ ۴. تصمیم بر ترک در آینده.^۲

اصلاً پشیمانی از کارهای زشت گذشته و عدم تکرار آن در آینده، شرط حقیقی توبه است؛ و چنانچه در ذیل آیه ۳۷ سوره بقره، برخی مفسران گفته‌اند: چنین توبه‌ای را همه فرق اسلامی موجب سقوط عقاب می‌دانند و اما توبه‌ای کمتر از این، محل اختلاف است که آیا مقبول و موجب سقوط عقاب می‌گردد یا خیر؟^۴

۱. مصطفوی، التحقیق، ج ۱، ص ۴۰۰.

۲. قرآنی، تفسیر نور، ج ۱۲، ص ۱۳۴.

۳. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۹۰.

۴. طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۰۱.

ارزش توبه

به تصریح آیات قرآن و اجماع جمیع امت، توبه کردن از همه گناهان واجب است؛ چنان‌که خداوند در قرآن به آن دستور داد^۱ و اخبار فراوانی نیز بر وجوب توبه دلالت دارند.^۲

عقل سلیم و طبع مستقیم انسان نیز بیانگر آن است که اگر رسیدن به سعادت و نجات از شقاوت، موقوف بر چیزی باشد، تحصیل آن لازم است. سعادت، همان ملاقات پروردگار و مانع آن، گناه و راه چاره آن، توبه از گناهان است.^۳ در ضرورت و همگانی بودن توبه، جای تردیدی نیست. از کلام نبوی به دست می‌آید که حضرتش روزی صد بار به درگاه خداوند توبه می‌کرد.^۴

این کلام پیامبر ﷺ تشویق همگان به توبه است. باز کردن در توبه به روی بندگان، لطف خداوند و پذیرفتن توبه آنان، لطف مضاعف است. پیامبر ﷺ فرمود: «خداوند آمرزنده است مگر کسی را که از اطاعت او بگریزد، همچنان‌که شتر از صاحب خود می‌رمد و می‌گریزد».^۵

از برخی آیات استفاده می‌شود که رو آوردن بنده به توبه، یک توفیق الهی است؛ یعنی توبه بنده، میان دو توبه خداوند است؛ بدین صورت که در مرحله نخست خدا به بنده برمی‌گردد (توبه می‌کند)، به او ترحم کرده، توفیق توبه می‌دهد. سپس بنده به خدا توجه کرده، توبه می‌کند. آن‌گاه خدا به او برمی‌گردد و توبه او را می‌پذیرد و او را مورد مغفرت و بخشش خود قرار می‌دهد.^۶

آثار توبه از دیدگاه قرآن و روایات

در کلام وحی به آثار توبه چون تبدیل گناهان به خوبی‌ها،^۷ دخول در بهشت،^۸ اجابت دعا،^۹ ارزش آفرینی،^{۱۰} زمینه‌ای برای استغفار^{۱۱} و امداد الهی^{۱۲} تصریح شده است.

یادآوری: نمونه آیات مربوط به توبه و مشابه آیه آغازین بحث (تحریم، ۸) در بخش آثار توبه از دیدگاه قرآن و روایات ذکر شده است.

۱. نور، ۳۱؛ تحریم، ۶.

۲. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۳۰ - ۴۳۹.

۳. تراقی، معراج السعاده، ص ۶۰۳.

۴. فاضل، کنز العمال، ص ۱۰۱۷.

۵. همان، ص ۴۳۷۱۷.

۶. توبه، ۱۱۸.

۷. فرقان، ۷۰.

۸. مریم، ۶۰.

۹. انبیاء، ۸۷ - ۸۸.

۱۰. تحریم، ۵.

۱۱. غافر، ۷۰.

۱۲. نساء، ۱۴۶ - ۱۴۷.

فضائل اخلاقی: توبه / ۱۸۱

و در کلام پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، پوشانیده شدن گذشته‌ها^۱ (از گناهان و کوتاهی‌ها)، شباهت پیدا کردن توبه‌کار به کسی که گناه نکرده است.^۲

برای توبه‌کار همین امید و نشاط و آرامش بس که با توبه‌اش، خداوند او را بخشید؛ چرا که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حدیثی فرمود: «به هر کس چهار چیز دادند از چهار چیز دیگر محروم نشوند. به کسی که آمرزش جویی داده شد و توبه کرد، از مغفرت الهی بی‌بهره نماند».^۳ «خداوند از توبه‌بنده شاد می‌شود؛ شادی خداوند (حتی) بیشتر از شادی زن نازایی است که بچه می‌آورد و یا گم کرده‌ای که گم‌شده خود را می‌یابد».^۴

در سفارش پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به علی عَلِيٌّ در مورد توبه و آمرزش خواهی آمده است: «به راستی خدا را از بنده‌اش خوش آید هنگامی که بگوید: پروردگارا! مرا ببامرز که کسی جز تو گناه را نمی‌بخشد. خداوند به فرشتگان می‌گوید: این بنده من دانسته است که جز من آمرزنده‌ای نیست؛ اینک گواه باشید که او را آمرزیدم».^۵

اقسام توبه

در دیدگاه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای هر گناهی توبه‌ای است. (چنان‌که) برای گناه پنهانی، توبه پنهانی و برای گناه آشکار، توبه آشکار؛^۶ زیرا گناه، گاهی مربوط به حق الله است و گاهی حق الناس. در قسم یکم یا تلافی آن واجب نیست مانند مشروب‌خواری که توبه‌اش همان پشیمانی و تصمیم بر ترک است و یا تلافی آن شرعاً لازم است چون نماز و روزه. در این قسم، افزون بر پشیمانی و تصمیم بر ترک آن عمل، قضای آن را باید به‌جا آورد. و اگر حق الناس باشد، افزون بر پشیمانی، حسرت و اندوه و تصمیم بر ترک آن، اگر مالی را تلف کرده باید جبران کند، حتی اگر مال ندارد باید از صاحب آن حلالیت بطلبد و اگر آبرویی را

۱. قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «التوبة تجب ما قبلها» (نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۲۹، ۱۳۷۰۶).

۲. قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «التائب من الذنب كمن لا ذنب له» (فاضل، كنز العمال، ص ۱۰۱۷۴).

۳. حرآنی، تحف العقول، ص ۶۷.

۴. قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «كَيْدٌ أفرح بتوبة عبده من العقيم الوالد ومن الضالّ الوالد ومن الظّمان الوارد» (فاضل، كنز العمال، ص ۱۰۱۶۵).

۵. حرآنی، تحف العقول، ص ۲۵.

۶. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۲۷ و ۳۲.

برده باشد، باید استغفار کند؛ هم برای خود و هم برای کسی که آبرویش را ریخته، آن هم اگر ممکن شد پس از کسب رضایتش و اگر نشد با تضرع و زاری و انابه به درگاه خدا و پرداخت صدقات و انفاقات به نحوی جبران نماید؛ چنان‌که از کلام پیامبر ﷺ پیداست همه این مراحل، زیر مجموعه کلام نبوی است. چنان‌که توبه نصوص از حقیقی‌ترین اقسام توبه است. پیامبر ﷺ تصریح فرمود: «توبه نصوص، پشیمانی از گناهی است که مرتکب شده و آمرزش خواستن از خدا و این‌که دیگر بدان بازنگردد».^۱

مراتب توبه

توبه‌کننده یا از همه گناهان توبه می‌کند و بر آن باقی می‌ماند و فرو گذاشته‌ها را تدارک می‌کند؛ چنین توبه‌ای، توبه نصوص است که در کلام الهی به آن تصریح شده^۲ و مؤمنان به آن امر شده‌اند و دارای آثاری چون تبدیل گناهان به نیکی‌ها و ورود به بهشت است.^۳ یا توبه از گناهان کبیره است، ولی شخص گناه‌کار از همه گناهان خالی نیست و غفلتاً و سهواً مرتکب گناه می‌شود، ولی در اقدام به گناه، خود را سرزنش می‌کند و پشیمان می‌شود. این شخص صاحب نفس لوامه است که خیرش بر شرش ترجیح دارد. و برای او از جانب حق تعالی وعده نیکوست^۴ و سخن پیامبر ﷺ به آن اشاره دارد که بهترین شما کسانی‌اند که بسیار به فتنه می‌افتند و بسیار توبه می‌کنند یا در جای دیگری فرمود: «مؤمن مانند خوشه گندم است؛ گاهی متمایل و کج می‌شود و گاهی باز می‌گردد» و نیز از کلام آن حضرت استفاده می‌شود که «مؤمن از گناهی که گاه گاه از او سر می‌زند ناگزیر است»^۵ علت آن هم از کلام پیامبر استفاده می‌شود که «نمازهای پنج‌گانه و نماز جمعه کردارهای زشت را در طول هفته تا جمعه دیگر می‌پوشاند به شرطی که از گناهان کبیره اجتناب نمایند».^۶

دسته سوم، توبه کسی است که توبه می‌کند و سپس شهوت در برخی از گناهان بر او غلبه می‌کند و از دفع شهوت هم ناتوان است و عمدی به آن دست می‌آورد، ولی در عین حال، در

۱. فاضل، کنز العمال، ص ۱۰۳۰۲.

۲. تحریم، ۸.

۳. تحریم، ۸.

۴. نجم، ۳۲.

۵. نراقی، جامع السعادات، ج ۳، ص ۱۱۰.

۶. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۶۱.

فضائل اخلاقی: توبه / ۱۸۳

اطاعت خداوند مواظبت می‌نماید و صاحب نفس مسوئله است.^۱ امید به نجات چنین شخصی به واسطه اطاعات و بندگی اوست.

دسته چهارم، توبه کسی است که توبه می‌شکند و عمدی به گناهان می‌پردازد، توبه را هم فراموش می‌کند، تأسف هم نمی‌خورد و پشیمان نیست و نفس او اماره شده است. چنین شخصی بستگی دارد که چه‌گونه بمیرد بر توحید و سرانجام نیک، یا غلبه گناهان بر نیکی‌ها و سرانجام بد؟^۲

نظر به همین مراتب است که ضرورت توبه برای همه اقشار لازم است؛ هم عوام، هم خواص. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «گاهی در دلم کدورتی می‌آید، پس روزی هفتاد بار استغفار می‌کنم».^۳

زمان توبه

مناسب‌ترین زمان توبه، توبه فوری پس از گناه است؛ یعنی زمانی که انسان زنده است. از برخی خطبه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله استفاده می‌شود که «هر کس یک سال پیش از مردنش توبه کند توبه‌اش پذیرفته می‌شود، بلکه یک ماه، بلکه یک روز، بلکه یک ساعت، بلکه پیش از مرگش؛ آن‌گاه که نفس به حلق می‌رسد اگر توبه کند توبه و انابه‌اش قبول است».^۴

چنان‌که به این امر دستور نیز داده‌اند که البته خدا بازگشت و توبه بنده‌اش را می‌پذیرد، پیش از آن که نفس در چمبره گیر نکرده باشد. پیش از آن که بمیرید به سوی پروردگارتان بازگشته و توبه نمایید.^۵

این لطف خدا به بندگان است که برای توبه فرصت کافی به آنها داده است. از این رو، پیامبر صلی الله علیه و آله تعبیری دارد که خدای عزوجل دستش را برای پذیرش توبه گنه‌کار شب تا به صبح، و برای گنه‌کار روز تا شب باز نگاه می‌دارد تا آفتاب از مغربش طلوع کند (یعنی تا روز قیامت این لطف الهی ادامه دارد).^۶

۱. توبه، ۱۰۳.

۲. نراقی، جامع السعادات، ج ۳، ص ۱۱۱.

۳. فاضل، کنز العمال، ص ۱۰۱۷۱.

۴. غزالی، احیاء العلوم، ج ۷، ص ۳۶.

۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۹.

۶. غزالی، احیاء العلوم، ج ۷، ص ۲۴.

در توبه نباید تأخیر کرد؛ زیرا انسان به زمان مرگ خویش آگاه نیست. در کلامی از پیامبر ﷺ به ابن مسعود که جنبه سفارش دارد آمده است که «گناه را پیش مینداز و توبه را به تأخیر میفکن، بلکه توبه را پیش افکن و گناه را تأخیر انداز».^۱

زیرا خداوند متعال در کتابش می‌فرماید:

بل یرید الإنسان لیفجر أمامه؛^۲

انسان خواهان آن است که پیشاپیش بدکرداری کند.

به هر حال تا مرگ نرسیده و یقین به مرگ نکرده توبه اثربخش است و این مطلب از آیات قابل برداشت است.

ولیس التوبه للذین یعملون السيئات حتی إذا حضر أحدهم الموت.^۳

قال امت... الآن وقد عصیت قبل...^۴

نشانه‌های توبه و توبه‌کننده

از دیدگاه نبوی چهار نشانه بیانگر توبه نصح و توبه‌گر حقیقی است: ۱. اخلاص عمل برای خدا؛ ۲. فرو گذاشتن باطل؛ ۳. پای‌بندی به حق؛ ۴. شوق و آزمندی به نیکی.^۵

حضرتش معتقد بود: «اگر نشانه توبه در توبه‌گذار آشکار نشود توبه نکرده است».^۶ (پس باید) طلب‌کاران را خشنود سازد، نمازها (ی نخوانده را) اعاده کند، میان مردم فروتنی نماید، خود را از شهوات و خواهش‌های نفسانی به‌دور دارد، و با روزه گرفتن، گردن خود را نزار سازد.^۷

در حدیثی دیگر فرمود: «چون بنده‌ای توبه کند و دشمنانش را راضی نگرداند، بر عبادت خویش نیفزاید، لباس خویش را تغییر ندهد، دوستانش را عوض نکند (بدها را ترک کند و خوبها را انتخاب نماید)، محل نشستن خود را تغییر ندهد، رخت‌خواب و متکایش را عوض ننماید، اخلاق

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۰۴، ۱۱.

۲. قیامت، ۵.

۳. نساء، ۱۸.

۴. یونس، ۹۰ - ۹۱.

۵. حرّانی، تحف العقول، ص ۲۰.

۶. مجلسی، بحارالانوار، ج ۶، ص ۳۵.

۷. صدوق، جامع الاخبار، ص ۲۲۶.

و نیاتش را دگرگون نسازد، دلش را نگشوده، دستش را باز ننماید، آرزوهایش را کوتاه نکند، زبانش را حفظ ننماید، زیادی نیروی خود را از بدن نگیرد، بازگشت کننده و توبه‌گر نباشد و اگر بدین خصال پایداری کند روشن می‌شود که تایب است»^۱.

عمل توبه کار حقیقی، بیانگر اسلام، ایمان، علم و عمل اوست که تفصیل و تعلیل آن در کلام نبوی در سفارشاتشان به حضرت علی علیه السلام آمده است.^۲

حکایت

۱. داستان آهنگر

سید محمد اشرف علوی در *فضائل السادات* از کتاب مدهش ابن جوزی نقل می‌کند که یکی از صالحان گوید: در سفری به مصر، آهنگری را دیدم که آهن گذاخته را از کوره آهنگری با دست خود بیرون می‌آورد و روی سندان می‌گذاشت و حرارت آهن به دست او اثری نمی‌کرد. با خود گفتم: این شخص مرد صالحی است که آتش به دست او کارگر نیست. از این رو، به نزد آن مرد رفتم و به او سلام کرده، گفتم: تو را به حق آن خدایی که این کرامت را به تو لطف کرده است، در حق من دعایی بکن.

مرد آهنگر که این سخن را از من شنید، گفت: ای برادر! من آن‌گونه که تو گمان کرده‌ای نیستم.

گفتم: ای برادر! این کاری که تو می‌کنی جز از مردمان صالح سر نمی‌زند.

پاسخ داد: گوش کن تا داستان عجیبی را که در این باره دارم برای تو شرح دهم.

– اگر چنین منتهی بر من بگذاری، ممنونم.

– آری، روزی در همین دکان نشسته بودم که ناگاه زنی بسیار زیبا که تا آن روز کسی را به

زیبایی او ندیده بودم نزد من آمد و گفت: برادر! چیزی داری که در راه خدا به من بدهی؟

– من که شیفته رخسارش شده بودم، گفتم: اگر حاضر باشی با من به خانه‌ام بیایی و خواسته

مرا انجام دهی هرچه بخواهی به تو خواهم داد.

– زن با ناراحتی گفت: به خدا! من زنی نیستم که تن به این کارها بدهم.

– در این صورت برخیز و از پیش من برو.

زن برخاست و از نزد من رفت تا این که از چشمم ناپدید شد.

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۶، ص ۳۶.

۲. حرّانی، تحف العقول، ص ۳۵.

پس از چندی دوباره به نزد من آمد و گفت: احتیاج و تنگ‌دستی مرا وادار کرد که به خواسته تو تن در دهم.

من برخاسته، دکان را بستم و او را به خانه بردم. چون به خانه رسیدیم گفت: ای مرد! من کودکانی خردسال دارم که آنها را گرسنه در خانه گذارده و بدین‌جا آورده‌ام. اگر چیزی به من بدهی تا برای آنها ببرم و دوباره به نزد تو بازگردم به من محبت کرده‌ای.

من از او پیمان گرفتم که باز گردد و سپس چند درهم به وی دادم. آن زن بیرون رفت و پس از ساعتی بازگشت. من برخاسته، در خانه را بستم و بر آن قفل زدم. زن گفت: چرا چنین می‌کنی؟ گفتم: از ترس مردم.

- چرا از خدای مردم نمی‌ترسی؟

- خداوند آمرزنده و مهربان است.

این سخن را گفته، به طرف او رفتم، دیدم چون شاخه بید می‌لرزد و سیلاب اشک بر رخسارش روان است.

به او گفتم: از چه وحشت داری و چرا چنین می‌لرزی؟

- از ترس خدای عزوجل.

سپس ادامه داد، گفت: ای مرد! اگر برای خاطر خدا از من دست برداری و رهایم کنی من ضمانت می‌کنم که خداوند تو را در دنیا و آخرت به آتش نسوزاند.

من که آن حال را در او مشاهده کردم و آن گفتارش را شنیدم برخاستم و هرچه داشتم به او دادم و گفتم: ای زن! این اموال را بردار و به دنبال کار خود برو، که من تو را به خاطر خدای تعالی رها کردم.

زن برخاست و برفت و من در آن حال که بودم به خواب رفتم. در خواب دیدم بانوی محترمه‌ای که تاجی از یاقوت بر سر داشت به نزد من آمد و گفت: «یا هذا جَزَاكَ اللهُ عَنَّا خَيْرًا»؛ ای مرد! خدا از جانب ما جزای خیرت دهد.

پرسیدم: شما کیستید؟

فرمود: من مادر همان زنی هستم که به نزد تو آمد و تو به خاطر خدا از او گذشتی.

«لَا أُحْرَقُكَ اللهُ بِالنَّارِ لَا فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ»؛ خدا در دنیا و آخرت تو را به آتش

نسوزاند.

پرسیدم: آن زن از کدام خاندان بود؟

فرمود: از ذریه و نسل رسول خدا ﷺ بود.

فضائل اخلاقی: توبه / ۱۸۲

من که این سخن را شنیدم خدای تعالی را سپاس‌گزاری کردم که مرا موفق داشت و از گناه محافظتم کرد و به یاد این آیه افتادم:

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً^۱

خدا می‌خواهد که هر پلیدی را از شما خاندان نبوت ببرد و شما را از هر عیبی پاک و منزّه گرداند.

به دنبال این ماجرا از خواب بیدار شدم و از آن روز تاکنون آتش دنیا مرا نمی‌سوزاند و امیدوارم آتش آخرت نیز مرا نسوزاند.^۲

۲. داستان راهزن

ثقة الاسلام کلینی(فده) در اصول کافی از امام سجّاد علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: مردی با خانواده‌اش به سفر دریایی رفتند. در راه کشتی آنها شکست و جز زن آن مرد بقیه در دریا غرق شدند. آن زن بر تخته پاره‌ای نشست و خود را به جزیره‌ای رسانید و در آن جزیره راهزنی بود که از هیچ گناهی باک نداشت. ناگاه چشم مرد راهزن به آن زن افتاد که بالای سرش ایستاده بود. سرش را به سوی آن زن بلند کرده، گفت: انسان هستی یا جنی؟! زن گفت: انسان هستم.

راهزن سخنی نگفت و برخاست و آماده زنا شد و چون خواست با آن زن بیامیزد دید او پریشان شده و می‌لرزد. راهزن گفت: چرا پریشان و مضطربی؟ زن در حالی که با دست خود به سوی آسمان اشاره می‌کرد، پاسخ داد: از او می‌ترسم. - آیا تا به حال چنین کاری کرده‌ای؟ - به عزت خدا سوگند! نه.

راهزن وقتی که او را در آن حالت دید، گفت: تو که تاکنون چنین کاری نکرده‌ای، این‌گونه می‌ترسی - در صورتی که من تو را به زور به این کار وادار کرده‌ام - به خدا من از تو بر چنین ترس و واژه‌ای سزاوارترم. راهزن این سخن را گفت و بدون آن که کاری با آن زن بکند برخاست و تصمیم گرفت که توبه کند و به سوی خانه‌اش به راه افتاد. در راه به راهبی برخورد و با یک‌دیگر همراه شدند. هوا گرم بود و آفتاب داغ بر سر آن دو می‌تابید.

۱. احزاب، ۳۳.

۲. محلاتی، کيفر گناه، ص ۴۲.

راهب به راهزن گفت: خدای را بخوان تا لگه ابری برای سایه‌بانی ما بفرستد که آفتاب داغ ما را می‌سوزاند.

راهزن گفت: من کاری خوبی از خودم در نزد خدا سراغ ندارم که به خاطر آن جرئت کنم و چیزی از او درخواست کنم!

راهب گفت: پس من دعا می‌کنم و تو آمین بگو.

راهزن پذیرفت و بدین ترتیب راهب دعا کرد و او آمین گفت. طولی نکشید که ابری آمد و بر سر آن دو سایه انداخت و آنها در زیر سایه آن ابر می‌رفتند.

مقداری راه رفتند تا به دو راهی رسیدند. راهزن از راهی رفت و راهب از راه دیگر. راهب متوجه شد که ابر بر بالای سر جوان راهزن است. به او گفت: تو بهتر از من هستی و دعای من به خاطر آمین تو مستجاب شد. اکنون بگو: داستانت چیست؟

راهزن داستانش را با آن زن نقل کرد.

راهب گفت: چون ترس خدا تو را گرفت، گناهان گذشته‌ات آمرزیده شده است. اکنون مواظب کارهای آینده خود باش.^۱

۳. داستان شعوانه

شعوانه نام زنی بود که آواز خوش و طرب‌انگیزی داشت و در بصره مجلس فسق و فجوری برپا نمی‌شد جز آن‌که او در آن مجلس حضور داشت. شعوانه از این راه ثروتی به هم زده، کنیزکانی خریده بود و از آنها برای همین منظور استفاده می‌کرد. روزی با جمعی از کنیزکان از کوچه‌ای می‌گذشت که از خانه‌ای صدای خروشی شنید. یکی از کنیزانش را به درون آن خانه فرستاد تا سبب آن خروش را بداند. کنیزک رفت و باز نگشت. دیگری را فرستاد و دستور داد به زودی مراجعت کند. او نیز به درون خانه رفت و باز نگشت. سومی را برای استعمال فرستاد و به او نیز دستور داد فوری وضع داخل خانه را به او اطلاع دهد. کنیزک رفت و بازگشت و گفت: این خروش گنه‌کاران و عاصیان است.

شعوانه با شنیدن این حرف به درون خانه رفت. واعظی را دید در آن‌جا نشسته است و جمعی دور او را گرفته‌اند و واعظ آنان را موعظه می‌کند و از عذاب خدا و آتش دوزخ بیم می‌دهد و آنان همه به حال تباه خود می‌گریند.

شعوانه وقتی رسید که واعظ این آیه را که درباره تکیب کنندگان روز قیامت است تفسیر می‌کرد:

۱. کلینی، ترجمه کافی، ج ۳، ص ۱۱۱.

فضائل اخلاقی: توبه / ۱۸۹

بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا * إِذَا رَأَتْهُمْ مِنْ مَكَانٍ
بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغَيُّظًا وَزَفِيرًا * وَإِذَا أَلْقَا مِنْهَا مَكَانًا ضِيقًا مُقْرَبِينَ دَعَوْا هُنَا
لِكِ ثُورًا!^۱

آنها روز رستاخیز را دروغ می‌شمارند و ما برای آنان که قیامت را دروغ می‌شمارند آتشی فروزان آماده کرده‌ایم که چون از مکانی دور آن را ببینند، خروش و غُرُش آن را بشنوند و چون دست بسته به تنگنای آن در افتند، در آن‌جا آرزوی هلاکت کنند.

وقتی شعوانه این آیات را شنید، دگرگون شد و رو به واعظ کرد و گفت: اگر من توبه کنم خدایم می‌آمرزد؟

واعظ گفت: آری، اگر توبه کنی خدا تو را می‌آمرزد اگرچه گناهت همانند گناه شعوانه باشد. زن گفت: ای شیخ! شعوانه منم که دیگر گناه نخواهم کرد. واعظ بار دیگر او را امیدوار به کرم خدا و وادار به توبه کرد.

شعوانه از آن‌جا خارج شد و بندگان و کنیزان خود را آزاد کرد و به تلافی اعمال گذشته سخت به عبادت مشغول شد تا جایی که بدنش لاغر و ضعیف گشت و روزی در بدن خود نگریست و گفت: آه! در دنیا به این نحو گذاخته شدم، نمی‌دانم در آخرت حالم چگونه است!^۲

کار او به جایی رسید که زاهدان و عابدان در مجلس وعظ او حاضر می‌شدند. او در حال موعظه بسیار می‌گریست و حاضران نیز با او می‌گریستند.

روزی به او گفتند: می‌ترسیم از شدت گریه نابینا شوی؟

در پاسخ آنان گفت: کور شدن در دنیا بهتر از کوری روز قیامت است.^۳

چه قدرتی جز ترس از عذاب خدا می‌تواند جلوی یک زن گنه‌کار را این‌گونه بگیرد؟

شعر

ز بختِ نگون طالع اندر شگفت	گِلِ آلوده‌ای راه مسجد گرفت
مرو دامن آلوده بر جای پاک	یکی زجر کردش که تبتِ بلاک
که پاک است و خرم بهشت برین	مرا رقتی در دل آمد بر این

۱. فرقان، ۱۰ - ۱۳.

۲. نراقی، معراج السعاده، ص ۶۱۰.

۳. محلاتی، کيفر گناه، ص ۴۴ - ۴۵.

در آن جای پا کان امیدوار
بهشت آن ستاند که طاعت برد
مکن، دامن از گرد زلت بشوی
اگر مرغ دولت ز قیدت بجست
دگر دیر شد گرم‌رو باش و چست
هنوزت اجل دست خواهش نیست
مخسب ای گنه کرده خفته! خیز
چو حکم ضرورت بود کابروی
در آبت نماند شفیع آر پیش
به‌قهر ار برآند خدای از درم

گل آلوده معصیت را چه کار؟
گران‌قدر باید بضاعت برد
که ناگه ز بالا بیندند جوی
هنوزش سر رشته داری به دست
ز دیر آمدن غم ندارد درست
برآور به درگاه دادار دست
به عذر گناه آب چشمی بریز
بریزند باری بر این خاک کوی
کسی را که هست آبروی از تو بیش
روان بزرگان شفیع آورم^۱